



در آمدی بر بینش و روش قرآن در بازنمایی تاریخ در جست‌وجوی چارچوبی مناسب برای روایت دفاع مقدس

یعقوب پناهی*

<p>یکی از مشکلات اساسی برخی روایت‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که از زبان راویان دفاع مقدس در یادمان‌های راهیان نور بیان می‌شود، گونه‌ای ضعف روشی و فقر محتوایی است. ارائه‌نشدن الگویی مناسب برای پوشش‌دادن این خلأ، موجب شده است بعضاً راویان محترم دفاع مقدس به‌نوعی آشفتگی و پراکندگی - هم در روش و ساختار روایت و هم در انتخاب و گزینش محتوا و انسجام در بازنمایی آن - دچار شوند و روایت‌هایی منسجم، غنی، مفید و تأثیرگذار در این عرصه کمتر صورت گیرد. همین امر تا اندازه‌ای کم‌توجهی و آشفتگی ذهنی برخی مخاطبان را نیز در پی داشته است. باتوجه به این آسیب به نظر می‌رسد اگر الگوها، قالب‌ها و سناریوهای مناسب و روشمندی برای راویان دفاع مقدس طراحی شود و ایشان با در نظر گرفتن این ساختارهای چارچوب‌مند به بیان روایت‌های دفاع مقدس بپردازند، برخی از آسیب‌ها کم‌رنگ خواهد شد. از این لحاظ، پژوهش پیش رو تلاش دارد به‌منظور ارائه چارچوبی قرآنی، ابتدا اسلوب‌های حاکم بر تاریخ‌نگاری قرآن و شیوه روایت تاریخ در بافت سوره‌ها و آیات قرآنی را واکاوی و بررسی کند. در این راستا به‌صورتی کلی و گذرا نگاهی به آیاتی انداخته خواهد شد که می‌توان از آنها آداب و اسلوب سخن‌راندن و روایت‌گفتن را تا اندازه‌ای استخراج کرد. به عبارت دیگر، در گام نخست اصول حاکم بر روایت سرنوشت پیشینیان و نیز شیوه‌های تاریخ‌نگاری در قرآن احصاء و دسته‌بندی خواهد شد. در گام بعدی با نگاه به اسلوب تاریخ‌گویی قرآن، تلاش می‌شود به‌صورتی فشرده‌تر، الگویی قرآنی در کنار دیگر قالب‌های روایت‌گویی عرضه شود تا به‌عنوان شیوه‌ای نو در جهت ساماندهی و هرچه ساختارمندتر کردن روایت‌های دفاع مقدس، راویان محترم یادمان‌های راهیان نور را به کار آید.</p> <p>واژگان کلیدی: داستان‌های قرآن، تاریخ‌نگاری جنگ عراق و ایران، روایت دفاع مقدس، راویان راهیان نور.</p>	چکیده		

مقدمه

گذشته توجه ویژه‌ای شده و روش قرآن در پرداختن به این موضوع، منحصر به فرد و آموختنی است. از این رو، بازشناسی شیوه و اسلوب قرآن به‌عنوان کتاب مقدس مسلمانان در بیان و بازنمایی روایات تاریخی می‌تواند تاریخ‌نگاری و روایت‌گری ما را دچار تحول اساسی کرده، آثار و روایت‌های تاریخی را از متونی صرفاً داستانی و توصیفی، به سرگذشت‌هایی عبرت‌آموز و کاربردی تبدیل کند. در کنار قرآن، در

در قرآن کریم توصیه‌های بسیاری به همه انسان‌ها در همه اعصار شده است که به تاریخ گذشتگان به‌عنوان یکی از آیات خداوند توجه کامل کرده، حیات خود را با عبرت‌گرفتن یا الگو قرار دادن از سرنوشت پیشینیان تنظیم کنند و تکامل بخشند. به همین منظور، در راستای بهره‌گیری انسان‌ها از سرنوشت پیشینیان، در جای‌جای قرآن کریم به زندگی پیامبران و اقوام

* دانشجوی دکتری تاریخ و کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

درآمدی بر بینش و روش قرآن در بازنمایی تاریخ
در جست‌وجوی چارچوبی مناسب برای روایت دفاع مقدس

مردم به این مناطق و توجه دادن آنها به رویدادهای گذشته، سعی در ایجاد تغییر در انسان‌ها و سوق دادن آنان به سمت تعالی است.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نیز از جمله مراکزی است که به منظور تقویت و غنا بخشیدن به روایت‌های راویان دفاع مقدس چند صباحی است در مناطق عملیاتی حضور می‌یابد و در تلاش است با ارائه آثار پژوهشی، تاریخ و روایت دفاع مقدس را هر چه بیشتر به واقعیت و حقیقت نزدیک تر سازد و آن را از هرگونه تحریف احتمالی مصون دارد. با توجه به این مقدمات، مقاله حاضر درصدد است در حد وسع نگارنده به استحصاء اصول حاکم بر تاریخ‌نگاری و روایت خوانی قرآن بپردازد تا از این مجرا الگویی مناسب و روشمند برای بازخوانی تاریخ جنگ پیش روی راویان دفاع مقدس قرار گیرد؛ بدان امید که این راویان پرتلاش بتوانند با استمداد از این الگوی قرآنی، روایاتی واقعی، مفید و معرفت افزا در اختیار مخاطبان خویش قرار دهند و در جهت اصلاح روایت‌های معیوب و آمیخته با اغراق بکوشند. در این پژوهش، ابتدا جایگاه تاریخ و روایت در قرآن تا حدودی بررسی خواهد شد و سپس سعی می‌شود اصول و اسلوب کلی حاکم بر تاریخ‌نگاری و روایت‌گویی قرآن بازخوانی شود. همچنین در انتهای نوشتار تلاش می‌شود شیوه بهره بردن از اصول قرآنی در روایت تاریخ جنگ عراق و ایران برای راویان نیز به صورت مصداقی و با ارائه پیشنهادهایی کلی تا حد امکان قابل درک شده و به صورت مدلی کاربردی ارائه شود.

روایات اهل بیت^(ع) نیز بر مطالعه تاریخ و عبرت‌گیری از گذشته بشر تأکید فراوان شده است. به عنوان مثال، حضرت امیر^(ع) در باب فواید علم تاریخ و روایت گذشتگان در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به امام حسن^(ع) در گفتاری کوتاه و زیبا خود را "همسین همه تمدن‌های گذشته" (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۴۳) می‌شمارد و به امام حسن می‌فرماید: «فرزند عزیزم، اگرچه من با کسانی که پیش از من بوده‌اند زندگانی نکرده‌ام، اما در کارهایشان نگریده‌ام و در سرگذشت‌هایشان اندیشیده‌ام و در نشانه‌های مانده از آنان گردش کرده‌ام؛ تا آنجا که همچون یکی از آنان به شما رفته‌ام، بلکه در پرتو آنکه کارها و سرگذشت‌هایشان به آگاهی من رسیده است، گویی همراه با نخست مردم تا پسین مردمشان زندگی کرده‌ام. پس کارهای روشن‌شان را از چیزهای تیره باز شناختم». (جعفری، ۱۳۸۹: ۹۱۷)

با توجه به مطالب پیش گفته گوشه‌ای از اهمیت روایت تاریخ برای تغییر و تحول در زندگی انسان‌ها تا حدودی مشخص شد. در همین راستا یکی از مهمترین بسترهایی که می‌توان از آن برای روایت تاریخ دفاع مقدس و بازنمایی حماسه‌های عبرت آموز موجود در آن بهره برد اردوهای راهیان نور است. اردوهای راهیان نور که با اعزام اقشار مختلف مردم به مناطق عملیاتی صورت می‌گیرد از جمله حرکت‌های ارزشمندی است که در سال‌های اخیر رونقی دوچندان یافته است و علاوه بر جنبه‌های معنوی، می‌تواند عرصه‌ی برای توجه به تاریخ الگوساز و درس آموز دفاع مقدس نیز باشد. از این رو می‌توان گفت یکی از مهمترین اهداف آوردن اقشار مختلف



روایت راوی رزمنده (ارتشی)، یادمان شهدای عملیات کربلا ۵ (شلمچه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

تاریخ به مثابه روایت

سوره به تاریخ سوگند خورده و در جای جای قرآن نیز در خطابی عام همه انسان‌ها را به تامل در روایت احوال گذشتگان دعوت کرده است. (حضرتی، ۱۳۸۱: ۱۲۱) به همین دلیل با مروری ساده و کلی بر قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس مسلمانان، هر محقق و خواننده‌ای به عنایت و اهتمام ویژه و جدی اسلام به تاریخ و روایت اقوام و حوادث گذشته پی خواهد برد. اگر این تلقی را بپذیریم طبق آیات قرآن یکی از اساسی‌ترین مبانی رسالت هدایت بخش پیامبر بر پایه تاریخ و توجه به روایت گذشتگان بنا نهاده شده است. لذا می‌توان طبق این برداشت به تعبیری قرآن را یک کتاب تاریخی نیز محسوب کرد که بخش عظیمی از محتوای آن روایت داستان اقوام گذشته به سبکی خاص و روشی منحصر به فرد است تا انسان‌ها از آن به عنوان عبرت‌پند گرفته و مسیر حق و باطل را بشناسند. (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

اندیشمندان مختلف، هر یک از منظری، تاریخ و آثار تاریخی را تعریف و تجزیه و تحلیل کرده‌اند. بسیاری از آنها قائل به تلقی تاریخ به مثابه روایت هستند و معتقدند تاریخ در حقیقت چیزی جز روایت نیست (احمدی، ۱۳۸۷، ۲۸) و ما «برای بازسازی گذشته تنها چیزی که در اختیار داریم روایت است؛ حال چه به شکل متن و سند باقی مانده باشد و چه به صورت شیء». (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۲، ۱۲۳۱) با این تعریف اگر تاریخ را به منزله «روایت» تلقی کنیم و با همین نظرگاه رجوعی ساده به قرآن کریم داشته باشیم خواهیم دید نزدیک به چهار هزار آیه از کتاب مقدس ما توجه به علم تاریخ و روایت پیشینیان را به رسول اکرم (ص) و از پس ایشان به تمام انسان‌ها در همه اعصار متذکر شده است. حتی برخی از اهل نظر در تفسیر سوره والعصر بر این اعتقادند که خداوند در این

اصول کلی تاریخ‌نگاری و روایت‌گری قرآن

حال که به اهمیت توجه به تاریخ و تدبر در سرنوشت گذشتگان از منظر قرآن تا حدودی پی بردیم، خوب است که با اصول کلی حاکم بر تاریخ‌نگاری و روایت‌پردازی قرآن درباره رویدادهای گذشته آشنا شویم و هنگامی که برهه‌های تاریخی مختلف و به طور خاص هشت سال دفاع مقدس را توصیف و تحلیل می‌کنیم از این اصول تا حد امکان بهره‌برداری کنیم، به روایت‌های خود عمق دهیم و بر اثربخشی آنها بیفزاییم.

گفتنی است که ما در حد بضاعت خویش تعدادی از این اصول را استقراء کرده‌ایم و بدیهی است که می‌توان با بحث و فحص بیشتر، اصول بیشتری را نیز استخراج کرد و به کار بست. اما برخی از اصول مهم حاکم بر روایت‌گری

رویکرد قرآن به تاریخ و روایت
یک رویکرد صرفاً وقایع‌نگارانه
نیست، بلکه قرآن در پس
ظواهر رویدادهای تاریخی و
روایت آنها، ما را متوجه نوعی
حکمت می‌کند.

قرآن کریم عبارتند از:

الف) حکمت آموزی و کسب معرفت، هدف قرآن از توجه به روایت گذشتگان: رویکرد قرآن به تاریخ و روایت یک رویکرد صرفاً وقایع‌نگارانه نیست، بلکه قرآن در پس ظواهر رویدادهای تاریخی و روایت آنها، ما را متوجه نوعی حکمت می‌کند. با این نگرش می‌توان گفت بخش عظیمی از قرآن معطوف به تاریخ است و تاریخ، یکی از منابع معرفت به شمار می‌رود. خداوند

مستقیماً مخاطبان خود را در قرآن کریم دعوت به مطالعه تاریخ و سرنوشت گذشتگان و کسب معرفتی تاریخی از آنها می‌کند و البته رهیافت این کتاب آسمانی به روایت نه رهیافتی صرفاً نقلی بلکه رهیافتی حکمی-تاویلی و هرمونتیکی است. برای توضیح این مطلب اگر ما متن قرآن را با دیگر کتب آسمانی مقایسه کنیم، خواهیم دید که در تمام روایت‌ها و رخ دادهای تاریخی که قرآن متعرض آنها می‌شود با وقایع‌نگاری و روایت صرف-به‌خاطر روایت- روبه‌رو نیستیم و این درست بر خلاف نگاه دیگر کتب آسمانی من جمله تورات است که نگاه شان به تاریخ بیشتر معطوف به یک تلقی روایی است، چراکه در تمام روایات تورات شاهد طرح جزئیات و کنار هم چیدن همه حوادث و وقایع در سطوح و مراتب گوناگون جزئی و کلی هستیم. حال آنکه قرآن کریم کوشیده است که در ضمن امر انضمامی امر انتزاعی را بیان کند و از طریق امر جزئی امر کلی را مکشوف سازد.

به عنوان نمونه، وقتی در قرآن به داستان اصحاب کهف می‌رسیم به هیچ وجه صرفاً روایت و گزارش یک رخداد تاریخی را نمی‌بینیم، لذا بر سر تعداد و کمیت اصحاب کهف توقف نمی‌کند و از آن رد می‌شود. عده ای می‌گویند اینها پنج نفر بودند و عده‌ای هم می‌گویند هفت نفر؛ این را در ابهام می‌گذارد و رد می‌شود. حال آن که بسیاری از مورخان و مفسران وقت خودشان را صرف آن کرده‌اند که کشف کنند تعداد اصحاب کهف واقعاً چند نفر بوده است؛ در صورتی که قصد قرآن گزارش یک واقعه نیست و در پس روایت این واقعه به دنبال اکتشاف نوعی حکمت است. لذا روایت و تاریخ

هدفمند است و انسان در ساختن یا نابودی خودش و جامعه یا قومی که در میان آن زندگی می‌کند، آزاد است. اما در کنار اینها خداوند پیامبرانی را به عنوان بزرگترین معماران سازنده انسان‌ها و حیات اجتماعی آنها مبعوث کرده است تا آدمیان را به سعادت رهنمون کنند؛ هر چند در نهایت انتخاب با خود انسان است که راه سعادت را در پیش گیرد یا در مسیر شقاوت و ضلالت گام بردارد.

در فلسفه نظری

تاریخ که اصطلاحی مدرن است ما به دنبال یافتن پاسخی‌هایی درخور به این سوالات اساسی هستیم که در ورای حوادث تاریخی چه چیزی نهفته است و آیا حوادث تاریخی اتفاقی هستند یا حساب و کتابی بر آنها حاکم است؟ (مفتخری، ۱۳۹۰:

روایت تاریخی در قرآن همراه با حکمت آموزی و توجه به فلسفه تاریخ است. قرآن در فلسفه تاریخ خود معتقد است یک سلسله سنن الهی بر تاریخ حکومت دارند که در حکم قوانین الهی حاکم بر تاریخ هستند

۱۹؛ استنفورد، ۱۳۸۴: ۲۳؛ ادواردز، ۱۳۷۵: ۲۶) در مقام پاسخ گویی به این سوالات، تاریخ‌نگاری قرآن، مهمترین انگیزه حرکت تاریخ و جامعه را سنت‌های الهی دانسته است و هرگونه تغییر و تحولی را در جوامع بشری در بستر سنت‌های الهی تحلیل کرده است. (رابینسون، ۱۳۹۲: ۱۶۴) در این فلسفه تاریخ هیچ گونه تحولی فراسوی این سنت‌ها رخ نمی‌دهد. این سنت‌ها تغییرناپذیر بوده و بر سراسر تاریخ گذشته، حال و

در قرآن فراتر از یک علم و دانش است و به سمت نوعی حکمت و معرفت شهودی و استعلایی برای فراتر رفتن از جزئیات و رخدادها و نقب زدن به گوهر تاریخ تعالی پیدا کرده است (حضرتی، ۱۳۸۱: ۱۲۱) برخی معتقدند همین موضوع علت اصلی توجه گسترده مسلمانان در قرون نخستین اسلامی به این علم بوده است. (گیب و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۲۱؛ هامفریز، ۱۳۹۶، ۳۱۸)

ب) تاریخ، ابزاری برای تحصیل سعادت: قرآن کریم در نزد همه مسلمانان کتاب هدایت است و جوهره هدایت نیز رستگاری و فلاح عنوان شده است. در نخستین آیات اولین سوره بلند این کتاب مقدس -یعنی سوره بقره- هدایت و فلاح به عنوان هدف اساسی پیامبر و قرآن کریم ذکر شده است. هدایت و فلاح که در نهایت با نیل به حقیقت و اکتشاف ذات هستی به کمال می‌رسد، از طریق آیات صورت می‌گیرد. از یک منظر در قرآن کریم در سه حوزه آیات وجود دارد؛ انسان، طبیعت و تاریخ. از این زاویه می‌توان گفت «تاریخ» و روایت آن در قرآن در حکم «آیه» است، همان طور که انسان و طبیعت آیه است. (حضرتی، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

ج) جدا نبودن تاریخ از فلسفه تاریخ و حکمت تاریخی: حدیث و روایت تاریخی در قرآن همراه با حکمت آموزی و توجه به فلسفه تاریخ است. قرآن در فلسفه تاریخ خود معتقد است یک سلسله سنن الهی بر تاریخ حکومت دارند که در حکم قوانین الهی حاکم بر تاریخ هستند. طبق آیات متعدد قرآن، تاریخ

د) روایت تاریخی قرآن؛ نه به عنوان تاریخ گذشته بلکه به منزله تاریخ امروز: قرآن در واقع تاریخ یا روایت گذشتگان را علم ساختن اکنون و ایجاد دگرگونی در حال در پرتو نگاه به دیروز و گذشته می‌داند. ایجاد این دگرگونی با کسب معرفت از تاریخ و کشف سنت‌های حاکم بر آن امکان پذیر است. در قرآن کریم چه آن گاه که سرگذشت پیشینیان و احوالات گذشتگان نقل می‌شود، چه آن گاه که زندگی پیامبران و برخورد مخالفان با آنها توصیف می‌شود و چه آن گاه که از ظهور و افول قدرت‌ها و تمدن‌ها و حکومت‌ها سخن به میان می‌آید عمده ترین بحث خداوند در نقل این آیات، تحلیل و تعلیل رویدادها و بیان سنت‌های حاکم بر روند کلی تاریخ است. به عبارت دیگر درست است که توصیف کلی حوادث و وقایع گذشته مورد نظر قرآن است، ولی آن چه اصالت دارد تحلیل و تعلیل رویدادهاست، آن هم نه تحلیل و تعلیل گذشته، بلکه سخن از گذشته و بررسی گذشته برای نشان دادن رفتار درست به مخاطبانی که در کنار پیامبرند یا به عنوان مسلمان یا غیرمسلمان قرآن را می‌خوانند تا تغییری در شخصیت آنان ایجاد شود.

با این وصف شاید بتوان ادعا کرد بنیاد تاریخ‌نگاری علمی را از قرآن می‌شود آموخت. تکیه‌گاه قرآن بر این نکته استوار است که نقل، اسباب و ابزار و دست مایه مورخ برای بررسی ریشه‌های حادثه به قصد ایجاد تغییر در انسان است. لذا در برخی از آیات قرآن خطاب مستقیم با انسان است. یعنی نگاه از موضع حکمت، تدبر و تأمل و عبرت برای همه مخاطبان در همه اعصار و ازمنه. از این منظر تاریخ و

آینده بشر حاکم هستند. (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۲ ؛ مانز، ۱۳۹۴، ۱۵۳) این سنت‌ها در حکم قوانینی هستند که از ترکیب اندیشه‌ها، عواطف، عملکرد و غرایز انسان‌ها و نحوه ارتباط آنها با جهان و هستی پدید می‌آیند و همه عوامل اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی موجود در روابط انسانی را در بر می‌گیرند. قرآن با ترسیم صحنه‌های مهیج زندگی پیشینیان از سنت‌های الهی یاد می‌کند تا آدمیان پند گیرند و با توجه به این سنن جامعه خود را اصلاح و سرنوشت خوبی برای خود رقم بزنند. با این توضیح، آیاتی را که در این باره نازل شده دیگر بار و با تأمل بیشتر از نظر می‌گذرانیم: «سنه الله فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنه الله تبدیلاً»* «فهل ینظرون الا سنه الاولین فلن تجد لسنه الله تبدیلاً و لن تجد لسنه الله تحویلاً»** «سنه الله التی قد خلت من قبل و لن تجد لسنه الله تبدیلاً»***.

در آیات متعددی خداوند به تخلف ناپذیری و حتمی بودن این سنت‌ها اشاره دارد که مجال شرح آنها نیست. همین قدر گفتنی است که طبق آیات قرآن این سنت‌ها و قوانین حرکت تاریخ را بر طبق مسیری خاص ترسیم می‌کنند و خروج از دایره آنها برای هیچ قومی امکان پذیر نیست؛ چرا که این سنت‌های ثابت در عمق ترکیب و ذات جهان و در دل روابط میان انسان و هستی وجود دارند. (خضر، ۱۳۸۹: ۲۷۱)

* قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۶۲
** قرآن کریم، سوره فاطر، آیه ۴۳
*** قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۲۳



روایت راوی رزمنده (روحانی)، یادمان شهدای عملیات والفجرمقدماتی (فکه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

بر آنها نخواهد بود) یک استنباط از آیه این است که پیامبران متعدد مبعوث می‌شوند و دستوراتی را می‌آورند و اگر کسی این احکام الهی را تبعیت کند هدایت می‌شود؛ یک معنای دیگرش نیز می‌تواند این باشد که پیامبران می‌آیند و ضمن اینکه احکام را می‌آورند، از آنچه در گذشته رخ داده است با شما سخن می‌گویند و گذشته را مایه عبرت رفتار کنونی شما قرار می‌دهند. اگر کسی از این گذشته عبرت بگیرد «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون». طبق این تفسیر یک بخش این قصه تاریخ است و پیروی از دستاوردهای تاریخی که نتیجه‌اش «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» خواهد بود. بخشی از آیات قرآنی قصه گذشته است و آنچه از محتوای آموزه‌های پیامبر اکرم به عنوان یکی از رسولان وجود دارد و اعظم آنها در قرآن منعکس شده است در واقع تفسیر تحولات گذشته است؛ بیان زشتی و زیبایی گذشته

روایتگری از دیدگاه قرآن دانشی است که با تکیه بر آن، می‌توان بخشی از وظایف رسالت و بعثت را انجام داد. اگر معنای لغوی بعثت را که همان «برانگیختن چیزی و جهت‌دادن به آن» است، در نظر آوریم؛ تاریخ جدی‌ترین ابزار دگرگونی مسلمانان و همه انسان‌هایی است که مخاطب پیامبر در همه عصرها و مکان‌ها هستند. (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

به عنوان مثال، وقتی خداوند در سوره اعراف با بنی‌آدم سخن می‌گوید و خطاب می‌کند: «یا بنی آدم اما یتینکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی فمن اتقی و اصلح فلا خوف علیکم و لا هم یحزنون»* (ای فرزندان آدم پیغمبرانی از جنس شما بیایند و آیات مرا برای شما بیان کنند، پس هر که تقوی پیشه کرد و بر کار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی

* قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۳۵

است؛ بیان سنت‌های حاکم بر تحولات گذشته است. (زین‌العابدینی، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۰)

یا در مثالی دیگر، در سوره یوسف که نام دیگر آن احسن القصص است یک حادثه بیان می‌شود و قصه در این سوره بیان یک حادثه و واقعه است. اینجا قصه تاریخ است و احسن القصص ناظر است بر بیان چیزی که در وجود دو انسان-یوسف و زلیخا- اتفاق افتاده است. در این ساحت قرآن توجه به

رابطه‌های موجود میان این دو انسان برای عبرت، تذکر و دگرگونی دیگر انسان‌ها را مدنظر قرار داده است (روزنتال، ۱۳۶۸: ۱۴۵)

هدف از عرضه داستان‌ها و رویدادهای تاریخی در قرآن برانگیختن اندیشه بشری برای عبرت‌آموزی و ایجاد تغییر در زندگی فعلی انسان است. (خضر، ۱۳۸۹: ۲۷۰)

در گفتمان تاریخی قرآن هم یک گفتمان حکمی-نظری وجود دارد و هم یک گفتمان علمی-تجربی.

ه) قرآن و گزینش واقعیت‌های گذشته؛ در واقع قرآن به دنبال روایت یک تاریخ‌گزینشی است و نه یک تاریخ صرفاً توصیفی یا روایی. وقتی که پای گزینش در میان می‌آید، نوعی انگاره تفسیری و تحلیلی در پس این گزینش نهفته است و در نتیجه تاریخ تبدیل می‌شود به یک گفتمان و هدف این گفتمان تذکر و یادآوری راه سعادت از ضلالت برای انسان سرگشته است.

و) یادآوری راه و رسم پاکیزه سخن گفتن: با نگاهی کلی به آیات قرآن می‌توان دریافت که خداوند به صورت تلویحی و ضمنی همه انسان‌ها را از غلو، دروغ پردازی و زیاده روی در سخن گفتن و روایت کردن برحذر داشته و در مقابل همگان را به ساده و روان اما مستدل و منطقی سخن گفتن فرا خوانده است.* به عبارت دیگر پروردگار عالمیان انسان‌ها را به برخی آفات کلام آگاهی داده است؛ آفاتی که ممکن است

هر جا قرآن به گذشته و بیان تحولات گذشته می‌پردازد، یک مبنایش ایجاد دگرگونی در شخص انسان به عنوان انسان است؛ یعنی ناظر به دگرگونی فردی است و در یک سوی دیگر مبنا معطوف به دگرگونی اجتماعی است؛ آن جایی که از قواعد اجتماعی، سنت‌ها، ملأ، مترف یا مجموعه انسان‌ها با رفتارهای زشت و زیبا سخن می‌گوید، دگرگونی اجتماعی را در نظر دارد. یعنی در پرتو آموزش تاریخ و نقل تحلیل و حکمی روایت گذشتگان به دگرگونی اجتماعی نظر دارد. از این منظر

* در این باره نک: [پرهیز از لغو و پراگویی و شلوغ کاری: سوره واقعه، آیه ۲۵ و سوره مدثر، آیه ۷۴، سوره احزاب، آیه ۷۰، سوره طه، آیه ۲۸ و سوره اسراء، آیه ۲۸، سوره آل عمران، آیات ۷۱ و ۷۸، سوره بقره آیات ۷۵-۷۶ و ۱۵۹، سوره انعام، آیات ۴۶ و ۱۷۱، سوره نساء، آیات ۴۶ و ۱۷۱، سوره مائده، آیات ۴۱ و ۷۷ و ...]

گفتمان تاریخی قرآن هم یک گفتمان حکمی-نظری وجود دارد و هم یک گفتمان علمی-تجربی. می‌دانیم که گزاره‌های علمی و تجربی به صورت گزاره‌های مشروط بیان می‌شوند و از فرمول اگر p آن گاه q تبعیت می‌کنند. با این پیش زمینه، حال به یک آیه قرآن که در صدد بیان یک سنت تاریخی است توجه می‌کنیم. وقتی قرآن می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»* در واقع

سیر تاریخ و روند حرکت جامعه بشری را بر اساس یک گزاره شرطی بیان می‌کند که تنها و تنها در صورتی خداوند سرنوشت یک قوم را تغییر می‌دهد که آن قوم، خودشان را تغییر داده باشند. در مواجهه قرآن با تاریخ، در کنار این مواجهه شرطی با واقعیت‌های اجتماعی-تاریخی، رویکرد

تعلیلی و حکمی و هرمنوتیکی را هم مشاهده می‌کنیم؛ به گونه‌ای که مشیت الهی و فراتاریخ از یک سو و تاریخ از سویی دیگر به گونه‌ای منسجم و معنادار در ارتباط با یکدیگر لحاظ می‌شوند. به عبارت دیگر تاریخ مطرح در قرآن صرفاً ناظر به جنبه‌های این جهانی و مستقل از فلسفه حاکم بر کل هستی نیست. در نگاه قرآنی هم اراده و اختیار انسان

* . قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۱

در همه احوال - از جمله در هنگام روایت تاریخ - گریبان‌گیر انسان شود. اگر انسان‌هایی که مخاطب این آیات هستند، این تذکارها را نصب‌العین خود قرار دهند، حاصل کلام شان پاکیزه‌تر و نتیجه قضاوت‌هایشان به صواب نزدیک‌تر خواهد بود.

ز) مطالعه احوال گذشتگان، راه شناخت انسان و معرفت نفس: قرآن تاریخ را بستری برای معرفت انسان معرفی می‌کند. توضیح مطلب این است که انسان در طول تاریخ و در خلال حوادث تاریخی، درونیات و ویژگی‌های واقعی خود را به تصویر کشیده است؛ لذا می‌توان کتاب تاریخ را ورق زد و سیمای حقیقی خویشتن را در آینه تاریخ نگریست و از این طریق خود را بهتر شناخت. به بیان دقیق‌تر، انسان دو خویشتن دارد: یک خویشتن معطوف به ذات، آنچنان که در داستان خلقت انسان آمده است و دیگری خویشتن معطوف به پدیدار، آنچنان که در تاریخ بسط و تحقق پیدا کرده است. قرآن از ما می‌خواهد که با مطالعه تاریخ بکوشیم خویشتن تاریخی و پدیدارشناختی خویشتن را به خویشتن ذات‌شناسی‌مان نزدیک کنیم. از نگاه قرآن، تاریخ هم بستر و منبع معرفت انسانی است و هم بستر و منبع معرفت خداوند. قرآن برای انسان روش‌های گوناگونی را برای کسب این معرفت ذکر کرده است که استفاده از عقل در تفسیر فلسفه خلقت و مشاهده طبیعت و نیز تامل و تدبر در آیات و نشانه‌های هستی از آن جمله‌اند.

ح) هم‌نشینی گفتمان حکمی و گفتمان تجربی: در

تاریخ مطرح در قرآن صرفاً ناظر به جنبه‌های این جهانی و مستقل از فلسفه حاکم بر کل هستی نیست. در نگاه قرآنی هم اراده و اختیار انسان مورد توجه قرار می‌گیرد و هم مشیت و اراده الهی در جریانات تاریخی اثرگذار است.

از فوایدی که تاریخنگاری قرآن برای مطالعه تاریخ انسان متصور می‌شود، آشنایی با عقاید و ادیان مختلف و سیر تطور آنهاست. همچنین دردها و گرفتاری‌هایی را که برای انسان پیش می‌آید، می‌توان با استفاده از تجربیات گذشته تاریخی معالجه و درمان کرد. به عبارت دیگر، در خلال مطالعه سرگذشت پیشینیان، فوایدی چند نصیب انسان می‌شود. یکی از این بهره‌ها، شناخت دردهای فردی و اجتماعی انسان، راه‌های پیشگیری از آن و نیز راه درمان آن است. از این جهت، برخی از اندیشمندان تاریخ را به علم طب و پزشکی تشبیه کرده‌اند. در واقع در این رویکرد بیشتر به جنبه عملی و اخلاقی مطالعه تجارب گذشته توجه می‌شود. (نک: زرین کوب، ۱۳۸۲: ۱۱)

استفاده از مدل‌روایی قرآن در روایت‌گری دفاع مقدس

یکی از مقدمات لازم و ضروری به‌منظور پرداخت دقیق‌تر روایت‌های دفاع مقدس، دستیابی به درکی جامع از فرهنگ جهاد و شهادت و درنهایت، ارائه روایتی جذاب و قابل‌درک از رویدادهای جنگ هشت‌ساله، به‌کارگیری روشی مناسب در ارائه روایت‌ها توسط راویان است. در این راستا، باید چارچوب‌هایی نظری و قالب‌هایی انضمامی تهیه و پیشنهاد شود تا راویان دفاع مقدس با استفاده از آنها بتوانند توجه خود را به بیان اصلی‌ترین مسائل معطوف کرده، از طرح موضوعات و اخبار کم‌اهمیت احتراز کنند و با به‌کارگیری ملاک‌ها و معیارهای روایت صحیح، تصویری کامل‌تر و نزدیک به واقعیت از تاریخ جنگ و عملیات‌های

مورد توجه قرار می‌گیرد و هم‌مشیت و اراده الهی در جریانات تاریخی اثرگذار است. این همان نگاهی است که در روایات شیعی و کلام امامیه از آن به نظریه لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین تعبیر می‌شود. (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۲۹-۱۲۷)

قرآن به ما دستور می‌دهد «فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین»؛** «این «سیروا فی الارض» اولاً نشان دهنده یک روش تجربی-شهودی است؛ مشاهده‌ای و معاینه‌ای. ما باید جست‌وجو کنیم و بگردیم در زمین. زمین در اینجا هم یک واحد جغرافیایی است و هم یک واحد تاریخی. به همین دلیل هم هست که جغرافیا و تاریخ، نوعی پیوستگی جداناپذیر از هم دارند. وقتی قرآن می‌گوید: «سیروا فی الارض» این «ارض» هم در پهنا و عرض گسترش پیدا می‌کند و هم در طول. « فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» یعنی تامل در فرجام مکذبین، تفسیر و تحلیل این فرجام و عبرت گرفتن از آن. به تعبیر دیگر جغرافیا و کوه و صحرا و زمین به خودی خود ارزشی ندارند و حامل پیامی برای انسان نیستند بلکه طبیعت و ارضی دارای ارزش می‌شوند که بتوان اثر سیروا فی الارض را در آنها مشاهده کرد. با این انگاره، در تمام مواردی که قرآن فرمانی مبنی بر سیروا فی الارض می‌دهد در واقع عبرت از تاریخ را مورد توجه قرار می‌دهد.

ط) کسب مکارم اخلاقی؛ هدف از مطالعه تاریخ: یکی

* . قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۱

** . برای مشاهده این دست آیات نک: سوره محمد، آیه ۱۰، سوره یوسف، آیه ۱۰۹، سوره غافر، آیه ۸۲، سوره نحل، آیه ۳۶، سوره حج، آیه ۴۶، سوره عنکبوت، آیه ۲۰.



روایت راوی رزمنده (سپاهی)، یادمان شهدای عملیات والفجرمقدماتی (فکه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

باتوجه به اهمیت این موضوع، لازم است در پژوهشی مجزا و مستند به دلایل تشتت، پراکندگی، غلو و تحریف در برخی روایت‌های دفاع مقدس پرداخته شود که این مقال جای طرح آن نیست. اما در ادامه با رویکردی اثباتی تلاش خواهیم کرد با نیم‌نگاهی به اسلوب تاریخ‌نگاری و روایتگری قرآن، برخی سرفصل‌ها و مؤلفه‌های اصلی را که می‌تواند در کنار الگوهای دیگر، چارچوبی محتوایی - روشی در اختیار راویان دفاع مقدس قرار دهد، احصاء و پیشنهاد کنیم.

الف) روایت با هدف معرفت‌افزایی و شناخت ارزش‌ها: همان‌طور که قرآن انسان‌ها را دعوت می‌کند که با مطالعه تاریخ پیشینیان به کسب معرفت تاریخی بپردازند و با سرمشق‌گرفتن از سرنوشت نیک آنان یا عبرت‌آموزی از فرجام تلخشان، برای نیل به سعادت تلاش کنند (گفتارهایی در باب تاریخ‌نگاری،

مختلف و فرهنگ مقاومت، پیش روی مخاطب قرار دهند.

یادمان‌های دفاع مقدس باتوجه به فضای معنوی و جاذبه‌های بصری که در آنها حاکم است، بستری بسیار مناسب برای انتقال معارف و فرهنگ دفاع مقدس‌اند و اگر متولیان برگزاری اردوهای راهیان نور، به‌ویژه راویان دفاع مقدس، از این فرصت بهره کافی ببرند و روایت‌هایی صحیح، مستند، پرمحتوا و اثرگذار ارائه دهند، به‌مراتب در نهادینه‌کردن فرهنگ جهاد و مقاومت در اجتماع ایرانی موفق‌تر خواهند بود. شایان توجه است دفاع هشت‌ساله ملت ایران در برابر تجاوز عراق گنجینه گران‌بهایی است که هر مقطع و با اندکی تسامح هرروز آن، داستان‌ها و روایت‌هایی ارزشمند، واقعی و منحصر به فرد در خود دارد که اگر همین رویدادها بدون هیچ شاخ‌وبرگی مورد توجه قرار گیرند، چنان جذابیتی دارند که نیازی به غلو، تحریف، زیاده‌گویی و اغراق نخواهد بود.

به جزئیاتی بپردازد که به شکل‌گیری داستان و تصویرسازی قهرمان‌های آن کمک می‌کند و پیام خاصی را برای انسان‌ها یا مخاطبان‌ش در دل دارد.*

ج) ارائه سخن مستند، مستدل، حقیقی و نافع و پرهیز از تحریف و اغراق: همان‌طور که قرآن انسان‌ها را به قول مستحکم و مستدل دعوت کرده و از اغراق، پرگویی، سخن بی‌هوده و غلو برحذر داشته است، لازم است در روایت‌های دفاع مقدس نیز برای تهییج و تحریک مردم هر سخنی بر زبان راویان جاری نشود. بهتر است روایت‌هایی بیان شود که موضوعاتی همچون فلسفه دفاع مقدس، ضرورت دفاع و مقابله با تجاوز، اخلاق حسنه و روحیات رزمندگان ایرانی و... را به روشنی بیان می‌کند. همچنین باید با مراجعه به آثار مستند و پژوهشی، روایتی صحیح و قابل‌اعتماد همراه با آمار دقیق تنظیم و در قالب و ساختاری منسجم برای مخاطبان ارائه شود. رعایت این نکته سبب جذب مخاطبان و اعتماد آنان به راوی و سخنان او خواهد شد. در این راستا، اجتناب از تحریف وقایع امری ضروری است. عوامل مختلفی ممکن است راوی را از شاهراه واقعیت دور کند و به کوره‌راه تحریف

* از جهت محتوای روایت‌ها و ارزش‌های انسانی موجود در آنها نیز شایسته است راویان عزیز بر عناصر و مؤلفه‌هایی انگشت تأکید گذارند که یادآوری و تذکر صفات عالی انسانی و ارزش‌های نهفته در فرهنگ اسلامی و شیعی را در پی داشته باشد. برای دستیابی به این مهم می‌توان در کنار بیان زوایای مختلف تاریخ دفاع مقدس، تصویری زیبا و باشکوه از حماسه‌ها، پایمردی‌ها و رشادت‌های فرزندان این مرزوبوم ارائه کرد. این هم‌نشینی تاریخ و حماسه، اعتمادبه‌نفس و امید را در میان جوانان زنده خواهد کرد. برای آشنایی بیشتر با این مؤلفه‌ها ن‌ک: «سرفصل‌های روایت در بیانات رهبری نظام»، دکتر حسین اردستانی، فصلنامه تخصصی نگین ایران، شماره ۵۶، بهار ۱۳۹۵

۱۳۹۳: ۱۱۷)، در روایت‌های دفاع مقدس نیز لازم است عاقبت جهاد در راه خدا و پاسداشت ارزش‌های انسانی و دینی و ملی توسط رزمندگان به‌عنوان الگو و سرمشق زندگی برای نسل جوان بیان و همچنین عاقبت ظلم و دست‌اندازی به خاک و فرهنگ کشور دیگر و مردمان آن، برای عبرت از تاریخ گوشزد شود. بدین ترتیب، با تحلیل تجربه تاریخی هشت‌سال دفاع مقدس به‌منزله مصداقی از همراهی انسان‌های صالح با حقیقت و معرفت انسانی، می‌توان تعبیر کرد که گفتمان تجربی در کنار گفتمان حکمی قرار می‌گیرد. همراهی این دو گفتمان موجب می‌شود فرهنگ دفاع مقدس در روح و جان مخاطبان به‌ویژه نسل جوان نهادینه شود و تنها در این صورت است که توجه به تاریخ و فرازوفروود سرنوشت پیشینیان، جایگاه درخور خویش را به‌عنوان معرفتی کارآمد برای حیات بشری به دست خواهد آورد و به حقیقت، گذشته چراغ راه آینده خواهد شد.

ب) گزینش رویدادهای تأثیرگذار با هدف معرفت‌افزایی: پیش از این یادآور شدیم که قرآن کریم در نقل واقعیت‌های گذشته، دست به گزینشی ضابطه‌مند زده و فقط به جزئیاتی از حوادث و رویدادهای تأثیرگذار اشاره کرده است که بر معرفت انسان بیفزاید؛ چراکه قرآن کریم کتاب حکمت است. با توجه به این روش قرآنی، شایسته است که راویان سختکوش با انتخاب صحیح و دقیق محتوای روایت‌هایشان و نیز رعایت ساختارمندی در بیان آنها، عناصر عمده و اثرگذار را مدنظر قرار دهند. به بیان دیگر، یک راوی نکته‌سنج همچون یک فیلمساز یا داستان‌نویس باید فقط

در اندازد؛ عواملی از قبیل منافع شخصی یا جناحی، مصلحت‌اندیشی، ساده‌انگاری، آمیختن روایت‌ها با وهم و خواب، کوتاه‌فکری و ساده‌اندیشی، تعریف و تمجید بیش از حد معمول بشری از رزمندگان، غلبه رویکرد عرفانی و شهودی محض، سرخوردگی و ناامیدی، تبلیغ خرده‌فرهنگ‌های موجود در دفاع مقدس به جای فرهنگ عام و کلی حاکم بر آن و ...

اما شهادت علاوه بر وجه مظلومیت و درد و رنج، چهره

دیگری نیز دارد که سراسر شور و شوق و اشتیاق و حماسه است. در این صورت، شهید نه یک فرد ناکام، بلکه مرشد آگاهی است که نور می‌افشاند و بذر غیرت و افتخار می‌پراکند. بنابراین، علاوه بر گریه و عزاداری برای شهید و شاهد، به یافتن آگاهی و معرفت واقعی به او و به علت و انگیزه‌های حضور او در جبهه‌های دفاع مقدس

د) تشریح فلسفه رویارویی حق و باطل در طول تاریخ و لزوم توجه به آن در روایت‌های مقاومت: در روایت‌هایی که راویان محترم دفاع مقدس در یادمان‌ها ایراد می‌کنند، لازم است در کنار توجه به مظاهر عینی عملیات‌ها و کم‌وکیف اجرای آنها با کار بست عقل و استفاده از میراث دینی، به فلسفه دفاع و حکمت‌های نهفته در افکار و رفتار رزمندگان نیز توجه شود. از این رو، تا آنجا که ممکن است باید از ظاهر رویداد فاصله گرفت و به لب و مغز فلسفه جهاد و دفاع و انگیزه‌های نهفته در رفتارهای شهدا و رزمندگان یعنی دفاع از شرافت و آزادی و استقلال یک ملت و جهاد در راه خدا و مقابله با ظالم پرداخت.

ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد اندیشه‌ای و رفتاری رزمندگان و شهدا را می‌توان با دو روش و رویکرد متفاوت ارزیابی و تحلیل کرد: نخست، بررسی سیره فردی و اجتماعی، خصایص شخصی، موقعیت و مسئولیت و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شهید در روزها و ماه‌های منتهی به لحظه شهادت؛ دوم بررسی سیر تحولات شخصیتی شهید، تعیین نقطه عطف تحول او در زندگی، شناسایی عوامل مؤثر در دگرگونی‌های اخلاقی و رفتاری او و ترسیم خطی که او را به مسئولیت

همان‌گونه که در قرآن نیز به برخی شکست‌های پیامبر اسلام و یارانشان، ریشه‌های این شکست‌ها و نیز عبرت‌آموزی از آنها توجه شده است، در روایتگری دفاع مقدس هم باید به دلایل شکست‌ها گوشه چشمی داشت.

و به هدف او از انتخاب قیام سرخ و شهادت‌ش نیاز داریم. این نگاه نگاهی قرآنی و مثمرتر در همه اعصار است» (جان‌پور، ۱۳۸۶).

ه) تحلیل رویدادها، حماسه‌ها و رشادت‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها: همان‌گونه که در روایتگری قرآن به نقل و توصیف وقایع بسنده نمی‌شود و با صرف نظر کردن از برخی جزئیات که فایده عملی در بر ندارد، بیشتر تحلیل رویدادها و وقایع و علت‌ها و زمینه‌های آنها

امروزه کاربردی‌تر است و مخاطبان تشنه‌شنیدن آن‌اند. بی‌گمان، این ضرورت اجتماعی، روایانی هنرمندمی‌طلبد که با در نظر آوردن این ظرافت‌ها به انتخاب و به‌گزینی همت گمارند. در غیر این صورت، تحلیل نامناسب، نتیجه‌گیری نادرست و رهاکردن مخاطب در میان انبوهی از اطلاعات گنگ، مبهم، نامنسجم و بی‌ارتباط با زمانه، گاه ممکن است حاصلی در بر نداشته باشد. این نکته درباره دفاع مقدس که در کنار وجه معنوی‌اش سرمایه‌ای تاریخی و ملی است و آثار آن منحصر به فرد یا گروه خاصی نمی‌شود، حساسیت بیشتری دارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد اصول حاکم بر تاریخ‌نگاری و روایت‌گویی قرآن به‌منظور ارائه الگویی برای روایان دفاع مقدس احصاء شود. پس از بررسی‌هایی که در آیات تاریخی قرآن صورت گرفت، چند اصل کلی از اصول تاریخ‌نگاری و روش و بینش تاریخ‌گویی این کتاب مقدس احصاء و در نهایت تلاش شد با تأسی به این اسلوب، چارچوب‌هایی مناسب و کارآمد برای توصیف و روایت تاریخ هشت‌ساله دفاع مقدس و عملیات‌های آن، فلسفه جنگ و جهاد و همچنین فرهنگ حاکم بر سیره شهدا و رزمندگان پیشنهاد شود.

روایان دفاع مقدس با تطبیق و استفاده از این اصول و توجه به آنها می‌توانند روایاتی از دفاع مقدس بیان کنند که هم به واقعیت نزدیک باشد و هم در عمل معرفت‌افزا و ثمربخش واقع شود. بدین‌منظور، ضروری است روایان در روایت‌گویی خود متأثر از تاریخ‌نگاری قرآنی، به‌جای توصیف صرف وقایع، به

مدنظر قرار می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۵)، روایان محترم دفاع مقدس نیز می‌توانند در روایت‌های خود به لزوم دفاع از حق و حقیقت و گام‌نهادن در مسیر جهاد برای رضای خدا پرداخته، انگیزه دفاع از مظلوم و جهاد در برابر ظالم را به مخاطبان خویش القا کنند. علاوه‌براین، همان‌گونه که در قرآن نیز به برخی شکست‌های پیامبر اسلام و یارانشان، ریشه‌های این شکست‌ها و نیز عبرت‌آموزی از آنها توجه شده است، در روایتگری دفاع مقدس هم باید به دلایل شکست‌ها* گوشه‌چشمی داشت و از آنها تجربه‌های گران‌قیمتی اندوخت. به عبارت بهتر، می‌توان از تاریخ‌روایی در حد کلیات بهره برد و با یادآوری سنت‌ها، در وادی فلسفه تاریخ پا گذاشت و وظیفه انسان را در مواجهه مستمر و تاریخی میان حق و باطل یادآور شد.

(و تاریخ دفاع مقدس، بستری برای تجدید و تحول فضایل انسانی: همان‌گونه که قرآن کریم، آگاهی از سرگذشت پیشینیان را ابزاری سودمند برای ساختن اکنون و آینده می‌داند، روایان محترم نیز لازم است در روایت عملیات‌ها و تبیین اندیشه، کردار و سیره شهدا، دگرگونی درونی و بیرونی مخاطبان را هدف قرار دهند. همچنین شایسته است روایان دلسوز با شناخت نیازهای فعلی مخاطبان به‌ویژه جوانان و فضای کنونی جامعه، جنبه‌هایی از تاریخ جنگ و سیره شهدا را بازخوانی کنند که در زندگی

* به‌عنوان مثال برای بررسی این آیات و تشریح دلایل شکست مسلمانان در جنگ احد، ن‌ک: سوره آل عمران، آیات ۱۴۰ تا ۱۷۰؛ و نیز برای بررسی ناکامی در مرحله اول جنگ حنین به‌دلیل مغرور شدن برخی مسلمانان و کم‌رنگ شدن یاد خدا در خاطر آنان، ن‌ک: سوره توبه، آیات ۲۵ و ۲۶.

جانب انصاف و حقیقت را رعایت کرده باشند، به بیان منصفانه و صادقانه رویدادها به دور از حب و بغض و تحریف و غلو پردازند؛ به گونه‌ای که سهم واقعی افراد، جریان‌ات و همه نیروها در پیروزی‌ها و شکست‌ها بدون ابهام و لاپوشانی و صادقانه بیان شود. حتی انصاف حکم می‌کند که در کنار خباثت‌ها، کینه‌توزی‌ها، بی‌رحمی‌ها، اشتباهات و ضعف‌های دشمن، اگر مواردی از جوانمردی، ایثار، ابتکار عمل و نقطه قوت در نیروهای متخاصم نیز مشاهده شده است، آن هم از قلم نیفتد؛ "و لا یجرمنکم شنئان قوم الاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی".*

تحلیل و تبیین آنها توجه کنند و در این راستا، به توضیح و تشریح علل و عوامل پیروزی‌ها و شکست‌ها به صراحت و با انگیزه عبرت‌جویی پردازند. همچنین به منظور معرفت‌افزایی مخاطبان که یکی از اهداف و اصول اصلی تاریخ‌نگاری قرآن قلمداد می‌شود، به بیان فداکاری‌ها و اراده پولادین شهدا و رزمندگان، شجاعت و ایثار آنان، فلسفه جهاد و مقاومت در راه خدا و مقابله با ظلم و نیز امدادهای الهی و مردمی توجه کافی داشته باشند. راویان لازم است به تأسی از قرآن، سخن‌گفتن مستند و دقیق را سرلوحه روایت‌گویی خویش قرار دهند و برای آنکه در روایت‌گویی خود

* . قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۸.

درآمدی بر بینش و روش قرآن در بازنمایی تاریخ
در جست‌وجوی چارچوبی مناسب برای روایت دفاع مقدس

منابع
<p>- خضر، عبدالعلیم عبدالرحمن(۱۳۸۹): مسلمانان و نگارش تاریخ، ترجمه صادق عبادی، چاپ اول، تهران: سمت.</p> <p>- رابینسون، چیس. اف(۱۳۹۳): تاریخ‌نگاری اسلامی، الویری، تهران: سمت.</p> <p>- رضوی، مسعود(۱۳۸۹): گستره تاریخ، چاپ دوم، تهران: هرمس.</p> <p>- روزنتال، فرانتس(۱۳۶۸): تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، چاپ اول، مشهد: نشر آستان قدس.</p> <p>- زرین‌کوب، عبدالحسین(۱۳۸۴): تاریخ در ترازو، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.</p> <p>- زین‌العابدینی، رمضان(۱۳۸۸): تاریخ‌نگاران و مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، چاپ اول، تهران: چاپخس.</p> <p>- گفتارهایی در باب تاریخ‌نگاری و روش‌شناسی تاریخی(۱۳۹۳): مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.</p> <p>- گیب، هامیلتون و دیگران(۱۳۹۴): تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: نشر گستره.</p> <p>- مانز، آلن(۱۳۹۴): واساخت تاریخ، ترجمه مجید مرادی سده، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.</p> <p>- مفتخری، حسین(۱۳۹۰): مبانی علم تاریخ، چاپ اول، تهران: سمت.</p> <p>- هامفریز، آر. استیفن(۱۳۹۶): چارچوبی برای پژوهش تاریخ اسلام، ترجمه جواد مرشدلو، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.</p>
<p>- قرآن کریم</p> <p>- جعفری، سید محمد مهدی(۱۳۸۹): ترجمه نهج‌البلاغه، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.</p> <p>- احمدی، بابک(۱۳۸۷): رساله تاریخ (جستاری در هرمونیک تاریخ)، تهران: نشر مرکز.</p> <p>- ادواردز، پل(۱۳۷۵): فلسفه تاریخ، مجموعه مقالات دایرةالمعارف فلسفه، ترجمه بهزاد سالکی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.</p> <p>- اردستانی، حسین(۱۳۹۵)، «سرفصل‌های روایت در بیانات رهبری نظام»، فصلنامه تخصصی نگین ایران، شماره ۵۶.</p> <p>- استنفورد، مایکل(۱۳۸۴): درآمدی بر فلسفه تاریخ، چاپ دوم، تهران: نی.</p> <p>- اسماعیلی، حبیب‌اله و دیگران(۱۳۹۳): جستارهایی در تاریخ و تاریخ‌نگاری، چاپ دوم، تهران: خانه کتاب.</p> <p>- جان‌پور، محمد(۱۳۸۶): «روایتگری: ملاحظات و آسیب‌پذیری‌ها»، فصلنامه تخصصی نگین ایران، شماره ۲۲.</p> <p>- جعفری، یعقوب(۱۳۹۲): تاریخ اسلام از منظر قرآن، چاپ هفتم، قم: معارف.</p> <p>- حضرتی، حسن و دیگران(۱۳۹۱): گفتگو‌هایی در باب تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.</p> <p>- حضرتی، حسن(۱۳۸۱): تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، چاپ اول، تهران: نقش جهان.</p>